روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

سه‌شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۲ ■ سال سی‌ویکم ■ شماره ۸۷۶۱

مهار تورم و رشد تولید

همشهری

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
خشم و غضب، صاحبش را هلاک می کند و زشتی های او را آشکار می سازد.

■ اذان ظهر: ۱۲:۰۱ ■ غروب آفتاب: ۱۸:۵۱
■ اذان مغرب: ۱۹:۱۱ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۴
■ اذان صبح فردا: ۳:۳۷ ■ طلوع آفتاب فردا: ۵:۱۱

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار

■ پذیرش آگهی: ■ تلفن: ۸۴۳۲۱۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین ■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

■ چاپ: همشهری ■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

به دامِ زلفِ تو دل مبتلای خویشتن است
بکَش به غمزه که اینش
سزایِ خویشتن است
حافظ

گرینویچ

دوستی زاغ و راننده تاکسی

موارد زیادی از دوستی انسان‌ها و حیوان‌ها دیده شده اما اینکه یک زاغ، دوست صمیمی یک راننده تاکسی باشد و او را تنها نگذارد، نادر و عجیب است. ماجرا از این قرار است که یک زن در ایرلند، وقتی سوار تاکسی شد متوجه پرواز یک زاغ کنار ماشین شد. او قبل از سوار شدن هم دیده بود که این زاغ روی سقف ماشین نشسته و بعد از راه افتادن، کنار تاکسی پرواز می‌کند. این زن وقتی این موضوع را به راننده گفت، راننده خندید و گفت که این زاغ دوست اوست و همراه او پرواز می‌کند. راننده گفته که مدتی است به این زاغ غذا می‌دهد و این پرنده هم رفتاری مهربانانه با او دارد و در کنار او می‌ماند و موقع حرکت، با او پرواز می‌کند. این زن، به پیشنهاد راننده، حین حرکت یک بیسکویت را هم به زاغ داده و پرنده در هوا آن را خورده است.

جنجال رئیس بی‌عاطفه

مدیران و روسای شرکت‌ها گاهی قوانینی را وضع می‌کنند که با روح انسان در تقابل است. درست مثل کاری که یک رئیس هندی کرده، و البته جنجال زیادی هم به همراه داشته است. او در یک اطلاعیه، توصیه‌هایی غیرانسانی به کارمندانش کرده و به آنها گفته است که نباید با همکارانشان دوست شوند، چون کار شوخی نیست و جای رفاقت هم نیست. او همچنین گفته که کارمندان نباید از وقت کار، برای گفت‌وگوهای غیرکاری با یکدیگر استفاده کنند. او مشخصا گفته کارمندان حق ندارند در ساعات کاری، حتی به همدیگر شماره تلفن بدهند و بدترین بخش این اطلاعیه این است که از کارمندانش خواسته درصورت مشاهده رفتارهای دوستانه همکارانشان، فورا به او اطلاع بدهند. انتشار این اطلاعیه توسط یکی از همین کارمندان در فضای مجازی، حسابی سر و صدا به پا کرده و کاربران فضای مجازی در هند، این رئیس را بیمار و سمی خوانده‌اند.

خوردن اثر هنری

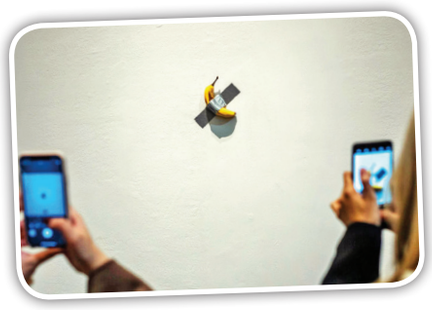

مفاهیمی که هنرمندان از آثار متفاوت خود ارائه می‌دهند، از نظر عموم گمراه‌کننده و پیچیده هستند. اما چیزی که همه انسان‌ها به خوبی می‌دانند این است که وقتی آدم گرسنه است، باید چیزی بخورد. یک دانش‌آموز در سئول هم برای رفع گرسنگی‌اش همین کار را کرد، بدون توجه به اینکه چیزی که خورده، در واقع یک اثر هنری پیشرو بوده است. هنرمند ایتالیایی موریتسیو کاتلان، نمایشگاهی هنری در یک موزه در سئول برگزار کرده بود که بخشی از آن، یک موز بود که با نوار چسب به دیوار چسبانده شده بود. این اثر که کمدین نام داشت، بخشی از نمایشگاه بزرگ‌تر او در موزه هنر سئول بود. اما یکی از بازدیدکنندگان، که از قضا دانشجوی هنر در دانشگاه سئول بوده، چندان به جنبه‌های هنری آن اهمیت نداد و وقتی حین بازدید از موزه احساس گرسنگی کرد، موز را برداشت و در مقابل چشم‌های بهت‌زده دیگران خورد. او بعد از خوردن موز، پوست آن را با نوار چسب دوباره به دیوار چسباند. البته این اثر خیلی زود ترمیم شد و مسئولان موزه، یک موز دیگر جایگزین آن کردند. مقامات بعد از این اتفاق، هنرمند ایتالیایی را در جریان گذاشتند و چون او واکنش خاصی به آن نشان نداد، دیگر پیگیر نشدند. این نمایشگاه قبلا هم در دیگر نقاط دنیا با همین مشکل مواجه شده بود.

فرشته‌های بی‌ادعا

«من معلم هستم»
زندگی، پشت نگاهم جاری‌ست
سرزمین کلمات، تحت فرمان من است
قاصدک‌های لبانم هر روز سبزه نام خدا را به جهان می‌بخشد
من معلم هستم
هر شب از آینه‌ها می‌پرسم:
به کدامین شیوه، وسعت یاد خدا را بکشانم به کلاس؟
بچه‌ها را ببرم تا لب دریاچه‌ی عشق؟
غرق دریای تفکر بکنم؟
من معلم هستم
نیمکت‌ها نفس گرم قدم‌های مرا می‌فهمند
بال‌های قلم و تخته سیاه، رمز پرواز مرا می‌دانند
سیب‌ها دست مرا می‌خوانند
من معلم هستم
درد فهمیدن و فهماندن و مفهوم شدن همگی مال من است.

فریدون مشیری

دوازدهم اردیبهشت یادآور شکوه و عظمت زنان و مردان پاکباخته‌ای است که در طول تاریخ در عرصه تعلیم و تربیت زیباترین جلوه‌های عشق و ایثار را به نمایش گذاشتند. روز معلم روز بزرگداشت سنت‌های پسندیده خدا و تعظیم علم و معرفت است؛ روزی است که یادآور مجاهدت معلمانی است که در سنگر علم و دانش، آینده زیبای ایران اسلامی را تضمین می‌کنند.

صحبت از معلمان است؛ همان‌هایی که عاشقانه جا پای انبیا گذاشته و در هر شرایطی بر سر عهد و پیمان خود ایستاده و هر سختی را به جان خریده‌اند تا انسان‌های تشنه را از علم خود سیراب کنند. این فرشته‌های بی‌ادعا، با فداکاری‌های خود، تجلی عشق بی‌منت در جامعه هستند و اخبار فداکاری‌هایشان در شرایط سخت و طاقت‌فرسا همواره در میان مردم جامعه پخش می‌شود و به‌رغم مشکلاتی که با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، تمام توان خود را برای پرورش و تربیت آینده‌سازان این مرز و بوم به کار می‌گیرند. فداکارهای بی‌شمار این قشر در ۳،۲ سال اخیر که جامعه با شیوع ویروس کرونا دست و پنجه نرم می‌کرد، خود را نشان داد؛ در روزهایی که ترس از مبتلا شدن به این بیماری همه را خانه‌نشین کرده بود، باز هم این معلمان بودند که دست از تلاش برنداشته و زندگی خود را وقف تعلیم دانش‌آموزان در فضایی دیگر کردند. در این ۳ سال معلمی ازجمله مشاغلی بود که به‌صورت کامل تحت‌تأثیر همه‌گیری ویروس کرونا قرار گرفت و این قشر در انجام کار خود با فراز و نشیب‌های زیادی روبه‌رو شدند، اما قدرتمندتر از همیشه در صحنه حضور یافتند و بار دیگر درس گذشت، فداکاری و عشق را مشق کردند. بزرگداشت هفته معلم فرصت مناسبی است تا علاوه بر اینکه قدردان تلاش‌ها و زحمات آنان باشیم، این موضوع را نیز به جامعه یادآور شویم که معلمان امروز با مشکلات زیادی از نظر معیشتی و اقتصادی روبه‌رو بوده و نیازمند توجه جدی‌تر از سوی مسئولان هستند.

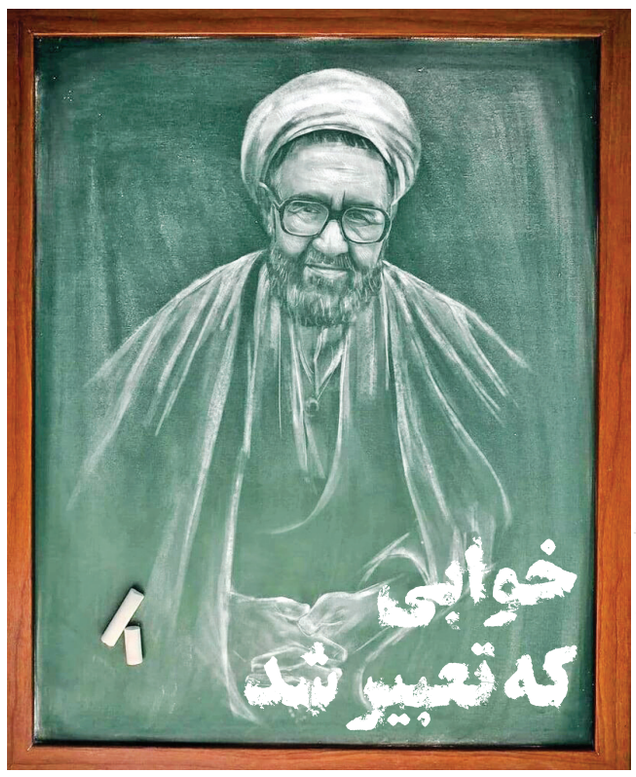

«روحی فداک. خدا را شکر می‌کنم که در زندگی محتاج نیستم. روزی کفاف دارم. به سلامت و بهداشت خودم و فرزندانم می‌رسم. وظایف دینی خود را به لطف خدا انجام می‌دهم و به کار تحصیل و تربیت فرزندانم رسیدگی می‌کنم. من بر کار مسلطم نه کار بر من. علی‌الظاهر در جریان زندگی، ظالمی به گردنم نمی‌آید. نانی که می‌خورم نان کار و زحمت است و آبرو و احترامم محفوظ است.» این شرحی است که مرتضی مطهری جوان خیلی سال قبل از اینکه اسمش بلند آوازه شود، برای پدرش، محمدحسین مطهری، امام جماعت مسجد فریمان نوشته بود. پدرش با اینکه بین مردم و همینطور علمای خراسان ارج و قربی داشت، اما از راه کشاورزی زندگی می‌گذراند. وقتی مرتضی در ۱۳بهمن‌ماه ۱۲۹۸ به‌دنیا آمد، ۴ برادر و یک خواهر بزرگ‌تر از خودش داشت. در ۱۲سالگی به مشهد رفت و در سال‌هایی که تحت‌فشار حکومت رضاخان بسیاری از طلبه‌ها و روحانیون مجبور به تغییر لباس بودند، او درس طلبگی را شروع کرد. مرتضی مطهری پیش استادان مختلفی درس خواند اما امام خمینی(ره) که آن روزها در حوزه به «حاج آقا روح‌الله» معروف بود، تأثیر بیشتری بر او گذاشت. مطهری علاقه به فلسفه را از حاج آقا روح‌الله داشت. مطهری یک فیلسوف بود؛ یک فیلسوف مسلمان. از دکارت و نیوتن خوشش می‌آمد اما عاشق ملاصدرا بود (اسم نوه‌اش را هم «صدرا» گذاشت). در ظاهر فعالیت انقلابی پر سروصدایی نداشت؛ می‌نوشت و سخنرانی می‌کرد و کمک فکری می‌داد، اما زندان هم رفته بود و از فعالیت منع شده بود. تمام عمرش را به خواندن و نوشتن و بحث کردن گذراند. بیش از آنچه معمول یک فیلسوف است، خجالتی و مؤدب بود. اگر موقع بحث صدایش بالا می‌رفت، بعدا عذرخواهی می‌کرد. هر شب قبل از خواب نیم‌ساعت قرآن می‌خواند. به خواب دیدن اعتقاد داشت. یک‌بار هم خواب دیده بود که با امام خمینی(ره) رفته‌اند حج و پیامبر(ص) و امام علی(ع) هم داخل مسجدالحرام هستند و به‌طرف ایشان آمده‌اند. خودش را کشیده بود کنار که اول استادش با پیامبر(ص) روبوسی کند و بعد پیامبر او را هم بوسیده بود. همسرش گفته بود: «حتما آقا از سخنرانی‌های شما راضی هستند.» ولی خودش حدس زده بود تعبیر خوابش چیز دیگری باشد. وقتی ۳ شب بعد، موقع برگشتن از خانه مهندس بازرگان، جوانی صدایش زده بود که نامه‌ای به او بدهد و به‌جای نامه شلیک کرده بود و گلوله مستقیم خورده بود توی آن مغز فلسفی، خواب مرتضی مطهری هم تعبیر شد.

اول آخر

بهار می وزد-دریاچه چیتگر. عکس: همشهری/محمد عباس نژاد

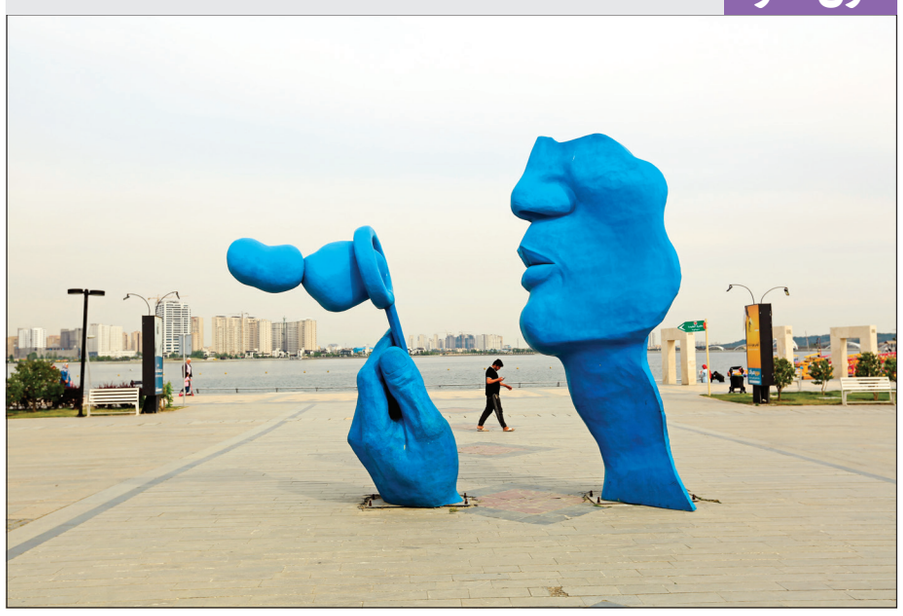

آخر مصور

بدون شرح
هاله کاظم‌زاده

جهان نما

من بازمانده هستم، نه بازنده!

آرزو بود اما همین که از تخت جدا شد و کم کم راه رفتن را شروع کرد، بزرگ‌ترین هدف ادامه زندگی‌اش را مشخص کرد: شرکت در مسابقه ۳گانه مردان آهنین در هاوایی. حتی برشمردن مراحل این مسابقه ۳گانه هم نفسگیر است؛ شرکت‌کنندگان ابتدا ۴کیلومتر شنا می‌کنند، بعد بلافاصله سوار دوچرخه می‌شوند و ۱۸۰کیلومتر رکاب می‌زنند و تازه وقتی دوچرخه‌سواری تمام شد، یک ماراتن را شروع می‌کنند و ۴۲کیلومتر و ۲۰۰متر می‌دوند. بسیاری، ۳گانه مردان آهنین را سخت‌ترین رویداد ورزشی دنیا می‌دانند و تازه در هاوایی، به‌خاطر گرما و شرجی بالا، این مسابقه از دیگر جاهای دنیا سخت‌تر است. بلین، حتی وقتی ورزشکار حرفه‌ای بود هم نمی‌توانست در این مسابقه موفق شود، چه برسد به اینکه دیگر پایش هم از کار افتاده بود. اما او تصمیم‌اش را گرفته بود. آرام آرام تمرین‌هایش را شروع کرد و به‌خاطر شرایط پایش، یک کفش ویژه دریافت کرد که با آن حرکت کند. همه‌چیز طبق برنامه پیش نرفت و او در دوران تمرین فشرده، به کرونا مبتلا و مجبور شد تمرین‌ها را رها کند. اما ذهنیت برنده او، دست از کار نکشید و همین چند ماه گذشته، ۶سال و نیم بعد از بمب‌گذاری، بعد از ۱۴ساعت و ۳۹دقیقه و ۳۸ثانیه شنا، دوچرخه‌سواری و دویدن، از خط پایان ۳گانه مردان آهنین هاوایی گذشت. او اخیرا درباره این اقدام بزرگ به بی‌بی‌سی گفته است: «مسئله هرگز درباره سرعت کار نبود. هدف این بود که ثابت کنم با وجود این شرایط، بدن و ذهنم آماده است. من نمی‌خواهم ذهنم قبول کند که قربانی بوده‌ام. من بازمانده هستم و خودم را مدیون افرادی که آن روز در گذشتند می‌دانم. اما تسلیم شرایط نمی‌شوم. من ضعف بنیه دارم و نمی‌توانم پایم را تکان بدهم، اما اگر اجازه بدهم که مشکلم از من قوی‌تر باشد، شرایط به‌تدریج بدتر و بدتر می‌شود.» او گفته است: افرادی را که آن سال در بروکسل بمب‌گذاری کرده‌اند می‌بخشد؛ چون می‌خواهد دنیایش بیشتر با عشق پُر شود. او به زندگی، به شکل جدیدش عادت کرده و می‌خواهد از فاجعه‌ای که شکل زندگی‌اش را عوض کرده، عبور کند؛ «ما خودمان را دوباره ساخته‌ایم و خودمان را با چیزی که زندگی به سمت ما پرت کرده، وفق داده‌ایم. من می‌خواهم خودم را از همه آن شلوغ‌کاری جدا کنم. من در ادامه زندگی‌ام با معلولیت زندگی خواهم کرد. اما همزمان، در این ۱۰سال اتفاق‌های خوبی هم برایم افتاده است. احساس می‌کنم که دوست بهتری هستم، همسر بهتری، پدر بهتری و انسان بهتری؛ می‌دانم که قوی‌تر شده‌ام.»

کلاس درس در بیمارستان

در روز بزرگداشت مقام معلم، نخستین خبر خوبمان را به خانم اعظم سعیدیان‌فر، معلم دبستان سیداحمد حسن‌زاده ناحیه ۶ شهر اصفهان اختصاص می‌دهیم که کلاس درسش را در بیمارستان برگزار می‌کند. شاید فکر کنید خانم سعیدیان‌فر خدای ناکرده بیمار است و به همین دلیل کلاس درس را در بیمارستان برگزار می‌کند؛ نه، ماجرای این خانم معلم به ۱۵سال پیش بر می‌گردد؛ وقتی پدر خانم معلم به‌دلیل بیماری سرطان، در بیمارستان بستری بود و او تقریبا در بیمارستان با پدرش زندگی می‌کرده است. همان روزها بود که خانم معلم با خود فکر کرده کودکانی که در بیمارستان بستری هستند، جدا از شرایط بیماری، از فضای آموزش هم محروم می‌شوند؛ یعنی هم بیمارند و هم این اجحاف را می‌بینند که از آموزش محروم باشند. خانم سعیدیان‌فر که سرگروه استانی پایه چهارم ابتدایی است در این مدت با سازمان‌های مردم نهادی که در زمینه آموزش بچه‌ها فعالیت می‌کنند نیز آشنا شده و در نهایت مصمم می‌شود که به نیت خیرات برای پدر مرحومش و کمک به خانواده دانش‌آموزان بیمار، در بیمارستان به بچه‌ها درس بدهد. او روزهای یکشنبه و سه‌شنبه بعد از ساعت کاری، به بیمارستان می‌رود و با بچه‌های مدرسه‌ای که در بیمارستان بستری هستند، درس کار می‌کند. خانم معلم اشاره هم می‌کند که درس دادن به کودک در بستر بیماری که درد می‌کشد راحت نیست اما معتقد است که این اقدام او، امید به زندگی را بیشتر می‌کند. البته خانواده‌های کودکان بیمار هم نه‌تنها با خانم معلم همراهی دارند بلکه از حضور فردی که بدون چشمداشت برای کمک آمده، استقبال می‌کنند. خانم معلم البته در کنار آموزش، پیگیر بهبود درمان بچه‌ها هم هست و لحظه شماری می‌کند که هر کدام از این کودکان پاک و معصوم که گرفتار بیماری شده‌اند، بهبود یابند، دوباره به بازی و شادی بپردازند و بتوانند به کلاس‌های درس مدرسه بازگردند. او حالا تمام تلاشش را می‌کند تا بتواند قدم مفیدی برای بچه‌های بیمار بردارد و روزهای تلخ و دردناک بیماری برای آنها و خانواده‌هایشان کمی سهل‌تر بگذرد.

کمک‌هزینه برای درمان

خبر خوب بعدی درباره اقدام خداپسندانه نیکوکاران و همت سازمان بهزیستی کشورمان است که برنامه سلامت جسمی زنان سرپرست خانوار را به اجرا در آورده و با اجرای این برنامه به این افراد کمک کرده‌اند که بتوانند هزینه درمان و پزشکی را پرداخت کنند. مدیرکل دفتر توانمندسازی خانواده و بانوان بهزیستی کشور گفته که به ۶ هزار نفر از زنان سرپرست خانوار تحت پوشش از محل مشارکت خیرین و به ۲۳ هزار و ۵۰۰ نفر نیز از محل اعتبارات دولتی، کمک هزینه درمان پرداخت شده است. این طرح با عنوان کمک هزینه سلامت جسمی و روانی برای انجام غربالگری و کمک هزینه درمان خانواده‌های تحت پوشش به مرحله اجرا در آمده و طرح غربالگری جسمی زنان تحت پوشش نیز عموما طبق برنامه‌های استانی توسط واحدهای مربوطه به‌صورت روتین اجرا می‌شود. این کمک‌ها به همه بانوان سرپرست خانوار تحت پوشش تعلق می‌گیرد، اما معمولا طبق اولویت‌هایی مثل خانواده‌های دارای فرزند یا همسر معلول، افرادی که اسناد پزشکی تحویل داده‌اند و نیز کمک هزینه به افرادی که دارای بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج هستند نیز پرداخت می‌شود.

۴ قلاده پلنگ در ارتفاعات خواف

یک خبر خوب هم در حوزه محیط‌زیست بدهیم؛ اینکه مدیرکل حفاظت محیط‌زیست خراسان رضوی از مشاهده همزمان یک قلاده پلنگ ایرانی به همراه ۳ توله خود در ارتفاعات شهرستان خواف در استان خبر داده و گفته که همیاران حفاظت محیط‌زیست شهرستان خواف که در ارتفاعات شهرستان خواف مشغول کوهنوردی بودند، موفق به مشاهده یک قلاده پلنگ بالغ با ۳ توله‌اش و تصویربرداری از آنها شدند. محیط‌بانان شهرستان خواف هم در هفته اخیر یک دهنه چشمه در همین منطقه احیا و یک آبشخور جدید نیز برای گونه‌های حیات وحش ایجاد کردند و بهسازی یک آب انبار برای تامین آب حیات‌وحش از دیگر اقدامات آنان در این زیستگاه بوده است. این را هم بگوییم که گزارش مشاهده و ثبت زیست پلنگ در شهرستان خواف سابقه دارد؛ چرا که در مناطق شکار ممنوع و حفاظت شده شهرستان خواف، جمعیتی بالغ بر هزار علفخوار وحشی از گونه‌هایی چون کل و بز، آهو و قوچ و میش وحشی زیست می‌کنند که تغذیه اصلی پلنگ‌ها محسوب می‌شوند. اما مشاهده همزمان ۴ قلاده از این گونه جانوری در استان خراسان رضوی نادر بوده و کمتر در طبیعت مشاهده شده است.

فراخوان

بی تعارف و تکلف، مثل همین متن کوتاهی که می‌بینید. ما منتظریم تا نوشته‌هایتان درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه‌هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کاریکاتور و طراحی هم هستید جایتان اینجا محفوظ است. متن یا طرح تان که آماده شد یک تماس با شماره ۲۳۰۲۳۶۳۶ بگیرید تا برای رساندنش به ما، راهنمایی تان کنیم.